

تأثیر کیفر

برای اثر تحریکات آنی کامروائی کرد.

اقوام دختر دانستند و او را بدادرسی کشیدند در ظرف یک هفته پس از محکومیت که من هر روز مراقب او بودم سراو شروع بسپیدی کرد - و با آنکه دقت زیاد در روحیات او داشتم و مخصوصاً در روز اعلام دادرسی یورا از نظر جسمی معاینه دقیق نمودم و تمام آثار فیزیکی بدنش را ضبط کرده بودم در روز هفتم در زیر پلک چشم و جنین دماغ و گونه اش آثار چین خوردگی مشاهده کردم.

این شخص محکوم بدو سال حبس شده بود و با آنکه این تأثیرات شدید باعث شد گزارش مخصوصی در اطراف لزوم بخشش او از کشیدن مکافات تقدیم نمودم و با اینکه وی بفاصله خیلی نزدیک از زندان خارج گردید لکن زندگی او دوامی نداشت و چند سال بعد در گذشت - کمپانی بیمه « زندگی » قبل از این حادثه او را برای هشتاد سال بیمه کرده بود و مقدار بهائی که برای مرگش قبل از حلول « اجل » با کمپانی تعیین شده بود بچندین میلیون ریال میرسید بر عکس چه بسا کنه کاران که کیفر در آنها تأثیر معکوس کرده و وقتی از زندان وارد و با اصطلاح ترسشان ریخت و با سازمان زندان و زندانیان آشنائی پیدا کردند دیگر باین زودبها دست از تبه کاری نکشیده و یک نفر عضو خطرناکی برای جامعه شدند.

یکی از گانگسترهای « Gangsters » معروف است که میگوید در ۱۹ سالگی وقتی برای خوردن سیلی از کسی که جوابش را گفته بودم مرا بداد گاه بردند صورتم از خجلت سرخ بود و چون برای نداشتن وجه

شاید از بدبیبیات اولیه در حقوق جزائی را عنوان فوق تشکیل دهد چه در هزاران افراد مختلف که در محیط های گوناگون تربیت های غیر مشابه ساختمانی های دماغی و افکار و احساسات مخصوص بخود زندگی میکنند همه چیز فرق دارد تا چه رسد درجه تأثر آنها از کیفر. بطور کلی همانطور که دونه فر مشابه در روی زمین کمتر دیده میشود بهمان نسبت یا کمی اختلاف تأثیر کیفر هم در ماهیت اشخاص یکسان بنظر نمیرسد. بهمین جهت است که قانونگذار حداقل و اکثری در قانون برای مجازات قائل شده و حتی کیفیات مخففه و مشدده را هم از نظر تأثیر کیفر در نظر گرفته است.

البته گفتگوی ما هم بر سر این موضوع نیست که در اینجا تأثیرات مختلفه کیفر را در نزد افراد شرح دهیم لکن بيموقع نخواهد بود چند مثالی از درجات شدید تأثیر در نظر گیریم تا بتبیجه که می خواهیم برسیم : معروف است که ماری آنتوانت ملکه فرانسه و زن لوی ۱۶ که در انقلاب کبیر با همسر خود دستگیر گردید و حکم اعدامش صادر شد شب هنگام که از مضمون دادنامه مطلع گردید بقدری وحشت نمود که تا صبح مجازات موهای سرش تمام سپید شده بود.

پول ربرت جنسن Paul Robert Jhonson در کتاب خود چنین مینگارد - از نجبای قریه من (محل تولدش) بر سیل اتفاق با دختر خوش منظری آشنا و دل داده او گردید و یکمرتبه بر اثر هجوم احساسات و غلبه شهوت احترام عشق خویش را فراموش کرد و بی آنکه انتظار روزهای بلندی را که بنظرش از سالهای زندگی محبوسین طویلتر می آمد بی پایان رساند با محبوبه خویش

بپرداخت غرامت بزندان رفتم تو گوئی مرا بکشتار گاه می برند.

اما وقتی چند روزی در آن محیط مانده و دانستم غیر از راهی که تا کنون منحصر برای زندگی فرض کرده بودم هزاران راه هست که زندگی محدود و فقیر را بکلی تبدیل باسایش غیر محدود و تجمل و غنای کند بی اختیار و بلکه با آغوش باز همکاری استادان را در زندان قبول کردم.

در آمار جزائی کشور خودمان نیز این تأثیرات مختلف کاملاً و بطور احساس مشهود است: جوانی بیست ساله که در عنفوان جوانی جامه صبرش لبریز است در شهر کوچکی بعمل منافی عفت پرداخت و گرفتار آمد.

شرح و چگونگی قضیه در اینجا باعث تصدیع است لکن همینقدر توضیح میشود انجام این گناه غفلتاً پیش آمد کرد. مقنضی موجود بود و مانع مفقود. جوان مزبور که از خانواده نسبتاً محترم و افتاده بود بداد گاه کشیده شد و بیش ماه حبس محکوم گردید لکن در خلال این ایام وحشت زدگی و بهت در این شخص بقدری حکمفرما بود که تمام آشنایان و دوستان او احتمال دیوانگی وی را داده بودند.

بفاصله خیلی کمی آن شهر را ترك گفت خانواده

او هم تاب رسوائی نیاوردند و فکر پسر را پسندیدند پدر دهقانی پیشه خود نمود و دست عیال و اطفال خویش را گرفته زندگی نوینی را در یکی از دهات پیش گرفت تا مگر غصه ننگ پسر از پیش چشمش دور شود.

پسر که از دیدار بزرگ فامیل شرم داشت از آن شهرستان کوچ نمود و اکنون متواری است.

آن زن که طرف گناه بود و باز بنوبه خود خانه و زندگی داشت آشیانه اش را ترك نمود و در تمام مراحل باز جوئی جوابش گریه بود بر خلاف گنهکار دیگری در نظر است که از سن ۱۶ سالگی بگناه سرقت يك چاقو از جیب رفیقش تعقیب و از آن تاریخ تا سن چهل و هفت سالگی وقتی حساب دوره آزادیش را نمودیم به ۱۶ ماه و نیم نرسید و اکنون هم وقتی در محضر دادگاه حاضر میشود نگاهش تند و تیز سر و گردنش بلند و جوابهایش محکم و تند است وقتی حبس با اعمال شاقه و اقامت اجباری در نقطه را باو اعلام میکنند مثل این است که باو میگویند مسکن خود را از جنوب شهر بسمت شرق باید تغییر دهی.

کمترین خمی بر ابروان پهن و کلفتش مشاهده نمیگرد و فقط برای جلب شفقت هیئت دادگاه بزرگترین شاهکارش سکوت محض است. دکتر ع. اخوی

اتباع خارجه

شوند و از بعض دیگر نمیتوانند چطور ممکن است این دورا از هم دیگر تفکیک نمود و تشخیص داد؟ برای تشخیص آنچه از حقوق مدنی که برای اتباع خارجه قابل استفاده میباشد دانشمندان این حقوق را بشرح زیر به قسم منقسم نموده اند:

در عالم متمدن کسی که در خارج از کشور خود زندگی میکند از حقوق مدنی در همان کشور بهره مند میگردد ولی نه باندازه که خود اهالی کشور میتوانند از حقوق نامبرده متمتع شوند پس صورتی که اتباع خارجه از بعض از حقوق مدنی میتوانند بهره مند